

از : دکتر خسرو فرشیدورد

بحثی دستوری در باره خط فارسی



۲- کلمه مرکب

درحقیقت بسیاری از این قالبها ، گروهها و جمله‌هایی هستند که بعضی از اجزاء آنها حذف شده است ولی چنانکه پس از این خواهیم دید در برخی از این قالبها هیچ حذفی روی نداده است و اینها قالبهایی هستند که ساختمانشان با گروه یا جمله مشترک است مانند : از خود راضی ، منتظر خدمت ، قابل احترام .

۱- قالبهای ترکیبی ویژه . اینک می‌پردازیم به شرح خصوصیات قالبهای ترکیبی ویژه یعنی آنهایی که ساختمانشان با گروه و جمله مشترک نیست یعنی مجموعه‌هایی که در مرکب بودنشان شکی نمیتوان داشت .

الف- قالبهای ویژه قید (۱) و صفت ساز - این قالبها و ساختمانها بدینسان بوجود می آیند :

۱- از ترکیب دو کلمه مکرر که بهم عطف نشده باشند خواه بواسطه خواه بی واسطه حروف وادات دیگر مانند : سال بسال ، گروه گروه ، در بدر ، پدر پر پدر .

این ساختمان خاص قید است ولی گاهی صفت و اسم و صوت نیز از آن بدست می آید مانند : رنگارنگ و گوناگون (صفت) ، غرغر و شرشر (اسم) ، به به (صوت) .

۲- از باقیمانده اجزاء گروهی وصفی که هسته آن حذف شده است. این هسته در بسیاری از موارد اسم مفعولست مثال : دست اندر کار ، پادروا ، حلقه بگوش که معادلند با دست اندر کار شده ، پادروا مانده ، حلقه بگوش افکنده . چنانکه دیده می شود این ترکیبات بیشتر از اسم و وابسته ساز (حرف اضافه) و اسم دیگر پدید می آیند .

یادآوری - از لحاظ املائی «به» را در ساختمان شماره ۲ و ۱ باید به کلمه بعد چسباند مانند . دمبدم ، سال بسال ، حلقه بگوش .

۳- از مفعول و ستاک امری فعل مانند دانشجو ، دلبر ، دلستان . در اینگونه ترکیبات رائی مقدر است مثلاً: دانشجو = دانش را جوینده .

۴- از قید و ستاک امری فعل مانند سخت گوش ، «پر گوی» .

۵- از متمم قیدی و ستاک امری فعل مانند پیشرو و تخت نشین . در این موارد وابسته سازی مقدر است زیرا : پیشرو = به پیش رونده و تخت نشین = بر تخت نشین .

۶- از اسم و صفت مانند دلارام ، دلننگ ، خواب آلوده ، خواب آلود ،

(۱) چون بیشتر صفات و قیود بنا هم مشترکند ، ساختمان آنها را

با هم نوشتیم .

دست پرورد (۱) در این موارد اکثر وابسته‌سازی مقدر است مثلاً «خواب آلوده» یعنی «بخواب آلوده» و «پیشنهاد» یعنی «به پیش نهاده».

۷- از اسم و شبه پسوند مانند ستم‌پیشه ، جفاپیشه ، ستمکار ، جفاکار ، هوشیار ، دستیار ، بختیار ، بادرقتار ، پروانه‌صفت ، رعدکردار ، دیوانه‌مانند.

۸- از صفت و اسم با تقدیر وابسته‌ساز (حرف اضافه) ویا «دارای» مانند: تنگدل (یعنی بادل تنگ) و همچنین است: چهارنعل ، چهارچشم ، یکسان ، یعنی دارای چهارچشم ، با چهارنعل ، به یکسان .

بعضی از اینها مانند سه‌پایه و چهارسوق بدل به اسم شده‌اند .

یادآوری - در قدیم در این موارد اگر وابسته‌سازی مقدر نبوده گاهی گروه بوجود می‌آمده است مانند : فریبنده ماه یعنی ماه فریبنده (بدو گفت طوس ای فریبنده ماه) و امروز در این حال گاهی اسم مرکب حاصل می‌شود مثل هرکس ، هیچکس ، کدامیک .

۹- از صاحب و اسم بدون کسره اضافه مانند : صاحبخانه ، صاحبدل ، صاحبنظر .

۱۰- از دو اسم که یکی مشبه و دیگری مشبه به است مانند : ماهر و ،

گلچهر ، پریرخ .

۱۱- از اضافه بعضی اسمها به اسم دیگر که این اسمها عبارتند از «اهل» و

«مورده» مثال : مورد احترام ، اهل دل .

(۱) در ترکیباتی مانند خواب آلود ، دست پرورد ، پیش آمد ، ره آورد و غیره جزء دوم صورتی دیگر از اسم مفعول است که میتوان آنرا اسم مفعول کوتاه نامید اینگونه کلمات در پهلوی خیلی و در فارسی قدیم کم رایج بوده است مانند : «پیوست» به معنی پیوسته:

نمک دارد لبش در خنده پیوست

نمک شیرین نباشد و آن او هست

(نظامی)

صفت‌هایی که از فعل مرکب یا گروه فعلی بوجود می‌آیند-
از بعضی از فعل‌های مرکب یا گروه‌های فعلی صفت مرکب بدست می‌آید از قبیل اسم فاعل و اسم مفعول و صفت حالی مرکب . مثال : انجام دهنده ، بوجود آورنده ، تشکیل شده ، انجام داده شده ، سرگردان . این گونه ترکیبات را می‌توان صفات مرکب فعلی نامید .

اسم فاعلهای مرکب آنهایی هستند که از اسم فاعل و وابسته‌های دیگر فعل ساخته میشوند. اینگونه اسم فاعلهای اقسامی دارند که ساختمان هر يك نظیر ساختمان گروه فعلی یا فعل مرکبی است که از آن بوجود آمده‌اند. اینها بدینسان ساخته میشوند :

۱۲- از اسم فاعل و قید یا متم قیدی با حذف وابسته سازمانند: بازدارنده، پیش گیرنده، بیرون روننده که مأخوذ است از باز داشتن ، پیش گرفتن ، بیرون رفتن .

۱۳- از مفعول رائی با حذف دراء و اسم فاعل مانند یزدان پرستنده (۱) و سخن گوینده که مأخوذ است از یزدان پرستیدن و سخن گفتن . دو نوع ساختمان اخیر چندان فعال نیستند زیرا ساختمانهای کوتاهتر و زیباتری هست که همین معنی را می‌رساند به همین جهت در زبان برای واژه سازی بیشتر از آنها استفاده می‌شود مانند پیشرو به جای پیش روننده و دانشجو به جای دانش جوینده .

۱- منم گفت یزدان پرستنده شاه

مرا ایزد پاك داد این كلاه

(دقیقی)

در قدیم گاهی اجزاء اینگونه صفات در شعر مقلوب می‌شده است مانند
گیرنده شهر در این بیت فردوسی :

جهاندار محمود گیرنده شهر زشادی به هر کس رساننده بهر

این دو مثال از دستور پنج اسناد من ۵۱، ج ۱ است .

- ۱۴- از اسمی که مفعول یا متمم نباشد و اسم فاعل مانند : عادت کننده، انجام دهنده که مأخوذ است از عادت کردن و انجام دادن .
- ۱۵- از پرداز و اسم فاعل مانند: پاک شونده ، خسته کننده ، ناراحت کننده که مأخوذ است از پاک شدن ، خسته کردن ، ناراحت کردن .
- ۱۶- از وابسته ساز (حرف اضافه) و اسم و اسم فاعل مانند بوجود آورنده ، از دست دهنده که مأخوذ است از : بوجود آوردن و از دست دادن .

- اسم مفعولهای مرکب** - اینگونه کلمات از اسم فاعلهای مرکب بیشتر بکار می‌روند (۱) و بدینسان ساخته می‌شوند (۲):
- ۱۷- از اسم مفعول و قید یا پیشوند یا متمم قیدی (با حذف وابسته ساز) مانند: برگشته، باز آمده، پیشرفته مأخوذ از برگشتن ، باز آمدن ، پیشرفتن و غیره .
- ۱۸- از اسم مفعول و اسمی که نه مفعول است نه متمم مانند عادت کرده، انجام داده مأخوذ از عادت کردن و انجام دادن .

- ۲۰- از وابسته ساز و اسم و اسم مفعول مانند : بوجود آمده و از دست رفته که مأخوذ است از : از دست رفتن و بوجود آمدن .
- ۲۱- از پرداز (صفت یا اسم مکمل فعل ناقص) و اسم مفعول فعل ناقص مانند : پاک شده و سفید کرده .

یادآوری - در قدیم برخلاف امروز با فعل ناقص بودن نیز اسم مفعول

- ۱- سبب این امر یکی همان است که گفتیم یعنی بودن قالبهای زیباتر و کوتاهتری که همان معنی را می‌رسانند دیگر این که از همه فعلها اسم مفعول داریم و ماضی نقلی او و ماضی التزامی و ماضی بعید را با آن می‌سازیم ولی از همه فعلها اسم فاعل نداریم .

- ۲- ساختمان اسم مفعولهای مرکب نیز مانند ساختمان اسم فاعلهای مرکب بیشتر تابع ساختمان گروههای فعلی و فعلهای مرکب است .

مرکب می‌ساخته‌اند مانند کم بوده در این بیت فردوسی :

مرا بویه پور کم بوده خاست

به دلسوزگی جان‌همی رفت‌خواست

۲۲- **یادآوری ۱** - از ترکیب اخیر ساختمان دیگری از اسم مفعول

مرکب داریم که بهتر است آن را **اسم مفعول مؤکد** بنامیم و این ساختمان از اسم مفعول فعل اصلی و اسم مفعول «شدن» بوجود می‌آید مانند : «کشته شده» و «زده شده» . اینها از مصدرهای مرکب مجهول مأخوذند (از کشته شدن ، زده شدن ، سپرده شدن)

یادآوری ۲ - در ترکیباتی که دیدیم گاهی ممکن است به جای اسم

مفعول عادی اسم مفعول مؤکد بکار رود مانند انجام داده شده ، برگردانده شده و از دست داده شده . بنابراین ۵ ساختمان و قالب دیگر به آنچه داشتیم افزوده می‌شود و تعداد قالبهای ترکیبی ویژه قید و صفت سازمانها اینجا به ۲۷ عدد می‌رسد .

یادآوری ۳ - به جای اسم مفعول ممکن است اسم مفعول کوتاه بیاید

مانند پیش‌آمد ، پیشنهاد ، پیش‌خرید ، درآمد به معنی پیش آمده ، پیشنهاد و پیش خرید .

یادآوری ۴ - ترکیباتی مانند خواب‌آلوده و خواب‌آلود نیز شبیه به

ساختمان بعضی از اسم مفعولهای مرکب است با این تفاوت که اینها از گروههای فعلی یا افعال مرکبی که در زبان متداولند گرفته نشده‌اند مثلاً ما امروزه گروه فعلی یا فعل مرکب خواب‌آلودن و دست‌پروردن نداریم والا ساختمان «خواب‌آلوده» و «دست‌پرورده» از یک لحاظ با ساختمان کلماتی مانند «جا افتاده» و «پیشرفته» یکپس است زیرا در همه آنها وابسته سازی مقدر است و معنی این کلمات معادل است با به خواب‌آلوده ، بادست‌پرورده ، به جای افتاده ، به پیش رفته .

یادآوری ۵ - اسم فاعلها و اسم مفعولهای مرکب در ترجمه کلمات

خارجی زیاد بکار می‌روند از این رو در آثاری که از عربی یا فرانسه یا انگلیسی و زبانهای دیگر به خارجی برگردانده شده‌اند فراوان است از آن جمله است

در نثر ترجمه‌های امروز و در تفسیرهایی که آیات قرآن را کلمه به کلمه ترجمه کرده‌اند .

۲۸ صفت حالی مرکب . از اسم یا قید و صفت حالی نیز بندرت

می‌توان صفت مرکب ساخت مانند «سرگردان» و «برگردان» این نوع ترکیب سماعی است و نگارنده برای آن جز همین دو کلمه مثال دیگری به خاطر ندارد .

یادآوری - چنانکه خواهیم دید از تبدیل جزء فعلی فعل مرکب یا گروه

فعلی به صفت حالی قید مرکب ویژه بوجود می‌آید مانند : رقص کنان ، نمره زنان ، چرخ زنان . بنابراین این کلمات را نباید صفت پنداشت اینگونه واژه‌ها امروز روبه کاهش است و منحصر است به همانهایی که از قدیم مانده است .

ب - قالبهای ویژه اسم ساز - این قالبها بدینسان بوجود

می‌آیند :

۱- از مضاف و مضاف الیه با حذف کسره مانند : دختر دائمی ، مادر

زن ، بچه گریه .

۲- از موصوف و صفت با حذف کسره مانند : پدر بزرگ ، مادر

بزرگ .

۳- از مضاف الیه و مضاف با حذف کسره اضافه مانند : گلاب ،

مهمانسرا ، گلخانه . *رسال جامع علوم انسانی*

۴- از دو اسم مملووف با حذف «و» عطف مانند : شیر برنج ،

کاغذ مداد .

۵- از دو فعل مملووف بهم با حذف «و» عطف مانند : بز بزن ،

بزن بکوب .

۶- از ارتباط دو ستاک فعل به وسیله کسره بدل از «و» مانند جستجو

و گفتگو .

۷- از مصدر کوتاه فعلی و ستاک امری فعل دیگر یا واسطه «ا» مانند

رستاخیز .

۸- از عدد اصلی و حرف اضافه و عدد اصلی دیگر مانند پنج درصد ، يك در هزار.

۹- از عدد اصلی (بجز يك) و «يك» مانند : چهار يك و ده يك .

۱۰- از عدد اصلی و عدد ترتیبی مانند يك سوم و چهار پنجم .

یادآوری - این ساختمان مقبوس از زبان فرانسه است .

۱۱- از اسم و سناك امری فعل و «ان» نسبت یا مصدری مانند برگ

ریزان ، عقدکنان ، شیرینی خوران .

اسمهای مرکب فعلی - اینها کلماتی هستند که از فعل مرکب یا گروه فعلی گرفته شده اند اینگونه اسمها فراوان هستند و بطور قیاسی از هر گروه فعلی یا فعل مرکبی نیز ساخته میشوند این دسته از کلمات بیشتر شامل مصدرهای کوتاه مرکب میشوند .

ساختمان اینگونه واژه ها تابع ساختمان گروه فعلی یا فعل مرکبی است که از آن گرفته شده است . این مصدر های کوتاه مرکب بدینسان ساخته میشوند :

۱۲- از قید و متمم قیدی (با حذف وابسته ساز) و مصدر کوتاه مانند

پیشرفت ، پیشبرد ، بازگشت ، برگشت .

۱۳- از اسم و مصدر کوتاه مانند کاربرد ، کارکرد .

۱۴ و ۱۵- کلماتی که از اسم و اسم مصدر بوجود می آیند نیز از اسم های مرکب فعلی است اگرچه از فعل مرکب یا گروه فعلی گرفته نشده باشد ، از این قبیل است ، سرزنش ، شکم روش ، دستگیره ، پاشویه . این نوع کلمات سماعی و اندک است .

۳- قالبهای ویژه قیدساز - این قالبها با صفت یا کلمه دیگری

مشترك نیستند و خاص قیدند و عبارتند از :

۱- آنهایی که از وابسته ساز و قید یا صفت بوجود می آیند مانند :

بناگاه ، بناحق ، بنااروا ، بیکبار ، بناچار ، بهمچنین در امروز و اناگاه ، از ناگهان ، بناگهان ، بیکباره ، بیک ناگاه ، از همدا ، بمدا ، بتفت ،

بخیره ، برخیره ، بگزاف ، بزگراف ، برخیره خیر ، ازبهنان ، بئنها ، بناکام ، بدزدیده ، بدرست ، بنسبه ، بهره ، برهرزه درقدیم .

۲- از اسم یا کلمات یا گروههای دیگر و صفت حالی مانند زاری کنان و برسرزنان .

اینگونه کلمات بیشتر از دو فعل کردن و زدن گرفته می شوند مانند :
وارشیداه کنان ، چرخ زنان ، رقص کنان وغیره .

در قدیم این ساختمان بین گروه وصفی و قیدی مشترک بوده است .
این ساختمان از فعلهای مرکب یا گروههای فعلی بوجود می آید و امروز کمتر مورد استعمال دارد و جزء ساختمانهای فسرده (Figé) است .

۴ - قالب و ویژه صوت ساز - این قالب ازهای و اصوات دیگر بوجود می آید مانند ایعجب ، ایوای .

سرهم نوشتن های در این موارد بهتر است .

قالبها و ساختمانهای مشترک .

اینک ساختمانهای ترکیبی ای را که با گروه یا جمله مشترکند شرح می دهیم . گفتیم که اینها قالبها و ساختمانهایی هستند که تشخیص مرکب بودنشان دشوار است .

اینها عبارتند از :

الف - اسمهای مرکب - اینگونه اسمها که ساختمانشان با گروه یا جمله مشترک است بدینسان ساخته میشوند :

۱- از صفت پیشین و اسم بدون تقدیر وابسته ساز (۱) (حرف اضافه)

۱- تفاوت اساسی این قالبها با قالبهایی که پیش از این در زیر عنوان قالبهای ویژه با قالبهای غیر مشترک با گروه و جمله نام بردیم بیشتر در حذف و تبدیل شدن یا نشدن اجزائی است از مجموعه ای که بعداً بصورت ترکیب درمی آیند یعنی قالبهای مشترک معمولاً با حذف و تبدیل جزئی از مجموعه ترکیب ساز توأم نیستند در حالی که قالبهای ویژه غالباً با چنین تبدیلهای و حذفهایی توأمند

مانند هر کس ، هیچکس ، هر يك ، هر کسی ، هر یکی ، هر کدام ، اینجا ، آنجا ، کدامیک ، پس کوچه .

اینها با گروههایی از قبیل هر کتاب ، این مرد ، کدام درس و غیره مشترکند .

۲- از عطف دو اسم یا دو کلمه که نقش اسم را بازی کنند به یکدیگر مانند : زدو خورد ، بردو باخت ، این و آن ، فلان وبهمان ، سر و صدا ، داد و فریاد ، قیل و قال .

بسیاری از اینگونه کلمات مرکب از دو مصدر کوتاه حاصل میشوند . اینها با گروههایی از قبیل نیرنگ و فریب ، کتاب و دفتر و غیره مشترکند و تشخیصشان از اینگونه گروهها دشوار است .

یادآوری - کلمات مرکبی مانند : چون و چرا ، لاونعم ، لیت و لعل ، بوک و مگر ، هست و نیست را نیز باید از این دسته بشمار آورد زیرا واژه هایی که این ترکیبات را بوجود آورده اند در حکم اسمند مثلا هست و نیست در اینجا یعنی هستی و نیستی .

همچنین ترکیباتی مثل : جست و جو ، گفت و گو ، گیرودار ، جست و خیز را که از عطف دو ستاک يك فعل یا دو ستاک دو فعل بوجود آمده اند نیز از این زمره اند . زیرا بسیاری از ستاکهای امری فعل بصورت اسم هم بکار می روند مانند : سوز ، گداز ، ساز .

و اگر این حذفها و تبدیلهها نباشد آنها نیز در شمار قالبهای مشترك درمی آیند مثلاً قالب پر آب قالبی است که از حذف (از) (در اصل بوده است پر از آب) بوجود آمده است بنابراین از قالبهای ویژه است یا فی المثل گفت و گو که اگر بدون تبدیل باشد از قالبهای مشترك است ولی قالب گفتگو که با تبدیل ضمه به کسره توأم است از قالبها ویژه است بنابراین امکان دارد که با حذف و تبدیل ساختمانی از قالب های مشترك به قالبهای ویژه تبدیل گردد .

چنانکه دیدیم ممکن است ضمه معادل (و) اینگونه ترکیببات بدل به کسره شود مانند جست و جو و گفت و گو که میشود جستجو و گفتگو در این صورت دیدیم که این ساختمان در شمار قالبهای ویژه درمی آید.

۳- از مضاف و مضاف الیه مانند تخم مرغ ، در دسر و میدانیم که ساختمان این کلمات با گروههایی مثل کتاب تاریخ ، دست من و غیره مشترك است .

۴- از اسم و صفت پسین بدون حذف کسره موصوف مانند گل سرخ که با گروههایی که باین ترتیب ساخته میشوند مشترك است .

مصدرهای مرکب مشترك با گروههای مصدری - میدانیم مصدر

در جمله غالباً کار اسم را می کند (۱) بنا بر این تقریباً به تعداد فعلهای مرکب مصدر مرکب داریم و برای هر فعل مرکب یا گروه فعلی ای می توان مصدر مرکب یا گروه مصدری ای پیدا کرد .

مانند بوجود آمد (فعل مرکب) و بوجود آمدن (مصدر مرکب) یا کارکرد (گروه فعلی) و کارکردن (گروه مصدری)
مصدرهای مرکب بدینسان ساخته می شوند:

۵- از اسم و مصدر مانند : انجام دادن ، نگاه داشتن ، گرد آمدن ، گرد آوردن ، جمع کردن ، پی بردن ، نشان دادن ، نشان کردن ، تحویل دادن ، صورت گرفتن ، رخ دادن ، پر زدن ، پهلو زدن .

یادآوری ۱ - این ساختمان ممکن است از مصدر ناقص و اسمی که پردازده آن است بوجود آمده باشد مانند دوست داشتن ، هلاک کردن ، اخراج کردن ، خبر کردن ، غرق کردن ، تلف شدن . در این صورت اسم کار صفت را

۱- مصدر تام یا کوتاه اگر با فعلهای شبه معین بایستن ، شایستن ، توانستن ، بارسستن ، می شود ، ممکن است بیاید می تواند جنبه فعلی داشته باشد و ممکن است آن را وجه مصدری نامید مانند می شود رفت ، باید نوشت ، ممکن است رفت و دید ، می توان به مدرسه رفت .

میکنند و مثلاً اخراج و هلاک و خیر و غرق در مثالهای یاد شده به ترتیب یعنی خارج ، هلاک شده ، خیر شده ، غرق شده و تلف شده .

یادآوری ۲ - ممکن است اسم در این موارد در اصل مفعول رائی باشد که درای آن حذف شده باشد مانند ظفر یافتن ، گوش دادن ، تن دادن ، دلبستن ، سر بزدن ، دم در کشیدن گروههایی نظیر این ساختمان عبارتند از: غذا خوردن ، لباس پوشیدن ، دل دادن ، دلخستن ، دل بسر کردن ، دل آزدن .

یادآوری ۳ - ممکن است اسم در این موارد در اصل متمم قیدی یا مفعول بواسطه باشد که حرف اضافه آن حذف شده باشد مانند پا شدن ، کار بردن ، سر کردن ، سر بردن ، عهده گرفتن ، شرح کردن به ترتیب به جای بکار بردن ، بسر کردن ، بسر بردن ، بعهده گرفتن ، بشرح کردن .

۶- از وابسته ساز (حرف اضافه) واسم و مصدر مانند از پای درآمدن ، از دست دادن ، از هوش رفتن ، از سر گرفتن ، از سر باز کردن . برپا کردن ، بپا شدن ، فراهم آوردن ، فراهم آمدن ، بر پای خاستن ، از کار افتادن ، بکار بردن ، بسر بردن ، بوجود آمدن ، بوجود آوردن ، بکار بستن ، بکار افتادن ، به انجام رساندن ، بشمار آمدن ، بشمار آوردن ، بدر کردن ، بجای آوردن ، بدست آوردن ، براه افتادن ، بعمل آوردن ، بعمل آمدن و غیره .

در این گونه فعلها « به » را متصل می نویسند و بهتر هم همین است .

گروههای فعلی نظیر این ساختمان فراوان است زیرا هر متمم قیدی ای با فعل خود گروهی نظیر فعلهای مرکب یاد شده بوجود می آورد مانند: از خانه آمدن ، به مدرسه رفتن ، در آنجا ماندن ، و هزاران گروه مشابه آن .

۷- مصدر مرکب مجهول که از مصدر فعل اصلی و مصدر فعلهای معینی که برای مجهول کردن افعال بکار میروند ساخته میشود مانند کشته شدن ، دزدیده شدن ، برده شدن .

۸- از قید یا قید پیشوندی و مصدر مانند برگشتن ، برداشتن ، باز خواستن ، برافراشتن ، بر آوردن ، بازگشتن ، درگذشتن ، درخواستن ، بازداشتن ، برافتادن در امروز و بر آمدن و فراز آمدن و فراز آوردن و صدها مانند آن در قدیم.

گروههای نظیر این ساختمان عبارتند از فرا رفتن ، باز کردن ، فرو کردن ، پیش رفتن ، بیرون رفتن ، درون رفتن ، جلو آمدن ، عقب رفتن ، عقب زدن ، جلو زدن ، در کردن ، در رفتن و غیره که میتوان جزء فعلی آنها را گسترش داد و گفت فراتر رفتن ، فروتر کردن ، بدر کردن ، بدر رفتن ، پیشتر رفتن ، بیرون از خانه رفتن ، درون خانه آمدن ، جلوتر آمدن و عقبتر رفتن .

درست است که بعضی از این کلمات امروز حالت پیشوندی به خود گرفته اند ولی در قدیم بیشتر بصورت اسم یا قید با افعال آمده اند نه به شکل پیشوند و در نتیجه گروه فعلی می ساخته اند نه فعل مرکب . دلیل قید یا اسم بودن این کلمات و ترکیب نشدن آنها با فعلی که همراه آن می آمده اند در بسیاری از موارد اینهاست:

الف - بسیاری از این کلمات به صورت های مختلف گسترش می یابند :

۱- پسوند «تر» میگیرند : «چندان که بیشتر نیرو میکرد فروتر میرفت» (فارسانه ابن البلیخی ص ۸۲) ، که حیف است زینجا فروتر شدن (بوستان چاپ معرفت ص ۲۱۷) ز جای همین «فرو آورد پای (شاهنامه بروخیم ج ۱ ص ۲۵) زمر ز بیابان چو بر تو کشید (گرشاسنامه ص ۲۵۵ ص ۲۲ تصحیح بنمائی) که ای حامل وحی پر تو خرام (بوستان ص ۱۴۹) . اگر یکسر موی پر تو برم (بوستان ص ۴۹) . پای و اثر نهاد (برهان قاطع در ذیل و اثر) ، آن شتر را که از آبشخور و اثر نیاید (السامی فی الاسامی بنقل از لغتنامه)

۲- بر سر بعضی از اینها مانند هر اسم دیگری وابسته ساز (حرف اضافه) می آید مانند: بدر ، از بر ، زبر ، از فراز ، بر فراز ، از فرود ، تافرود . مثال در جمله:

- میان غلیزون زبر وز فرود همه پشم جستند از آن ژرف رود
(گرشاسینامه ص ۳۶۳ تصحیح یغمائی)
- پیام آنچه گفتیم زبر تا فرود چو فرمان بری باد بر تو درود
(گرشاسینامه ص ۳۶۶)
- نکوهش مکن چرخ نیلوفری را ز سر کن پدر باد خیره سری را
(ناصر خسرو)
- ز بس کشته کافکنند از پیش و پس خروش سروش آمد از بر که بس
(گرشاسینامه ص ۱۰۹ تصحیح حبیب یغمائی)
- بسالی شدی مرغ از او بر فراز به ماهی رسیدی از او زیر باز
(گرشاسینامه ص ۳۸۸)

من از این دلچ مرقع پدر آیم روزی

نامه خلق بدانند که ز ناری هست

(سعدی)

در پهلوی هم «هچپر» به معنی از بالا نظیر «از بر» فارسی است (۱)

۳- گاهی این واژه‌ها به عنوان کلمه مستقل با اسم ترکیب میشوند و اسم مرکب میسازند. مانند برسو و فرسو. مثال: «و ایشان را به خوشی و لذت برسو مشغولی است زیرا که هرگز روی از برسو به فرسو نکنند» (دانشنامه‌علائی رساله طبیعیات ص ۲۷ تصحیح دکتر محمد معین).

از فرسو گنج و از برسو بهشت

سوزنی سیمین میان هر دو حد

(ابوشعب هروی)

۴- گاهی این واژه‌ها مانند يك کلمه مستقل به عنوان يك صفت «ی»

مصدری میگیرند: «فروترو و برتر آنگاه بود که یکی به فرودی نزدیکتر بود و

۱- رجوع کنید به Middle Persian Grammar تألیف

C. Salemann ص ۱۱۴

یکی از فرودی دورتر واگر فرودی خود چیزی نیست اگر فرود محض است. (دانشنامه علامی رساله طبیعیات ص ۱۲۱)
چنانکه دیده میشود فرود در مثال اخیر بصورت اسم هم به کار رفته است.

۵- در شعر گاهی بعضی از اینها مانند يك كلمه مستقل بعد از فعل می آیند و در این حالت بین آنها و فعل ممکن است فاصله ای هم پیدا شود:
یکی مجمر آتش بیاورد باز بگفت از بهشت آوریدم فراز

دقیقی شاهنامه بروخیم ص ۱۴۹۸
چو آمدش رفتن به تنگی فراز یکی گنج را در گشادند باز

شاهنامه چاپ بروخیم ص ۱۴۱۶
بدانست کآمد زمانش فراز وزان روز تیره نیابد جواز

شاهنامه بروخیم ص ۱۲۴۳
اینهمه روز مرگ یکسانند نشناسی ز یکدگر شان باز

(از رودکی ص ۲۲ شرح خطیب رهبر)
به نیزه مه آرد ز گردون فرو

به ماه و به کیوان فرستد درود

(گرشاسبنامه ص ۱۷)

بنابراین از این گونه کلمات که به پیشوند معروفند بعضی مانند در ، اندر ، فرود ، فراز ، بر ، باز ، فرا ، فرود در قدیم کلمه مستقل بوده و به صورت اسم و قید و صفت و وابسته ساز (حرف اضافه) هم بکار رفته اند و اینگونه کلمات با واژه هائی مانند پیش ، پس ، بیرون ، درون و غیره تفاوتی ندارند .

مصدرهای مرکب منفی با افزودن پیشوند ده به ابتدای جزء مصدری اینگونه کلمات مصدر مرکب منفی بوجود می آید مانند : پاشدن و انجام ندادن.

ساختمان مصدر مرکب منفی مانند ساختمان مصدر مرکب عادی است با این تفاوت که یکی بدون «نه» و دیگری همراه آن است .
اینگونه مصدرها با گروههایی مانند کار نکردن، درس نخواندن، به خانه نرفتن و غیره مشترکند.

ب - قیدها و صفات مرکب که ساختمانشان مشترک با گروه یا جمله است - اینگونه ترکیبات بدینسان ساخته میشوند :

۱- از صفت پیشین و اسم با تقدیر وابسته ساز (حرف اضافه) مانند : هیچگونه ، یکنوع ، اینقدر ، اینطور ، اینگونه ، یکنواخت ، یکسان ، چقدر ، چطور ، چگونه که فی‌المثال در اصل بوده‌اند بر اینگونه ، بی‌کسان و غیره . البته در بعضی از اینها مانند چقدر و چطور و چگونه نمیتوان حرف اضافه را برگرداند و مثلاً گفت : «به چقدر» یا «به چطور» ساختمان اینها نیز با گروههایی که به همین ترتیب ساخته میشوند مشترک است با گروههایی مانند این مقدار ، این قسم ، چه مقدار ، دوبار ، یک بار که در آن‌ها هم وابسته سازی مقدر است .

۲ - از وابسته ساز و اسم مانند : با ادب ، بی ادب ، بموقع ، بعلاوه ، بشدت ، بندرت ، بدقت ، بتعمیل ، بخصوص ، چنین ، چنان ، چندان ، چندین .

ساختمان اینها با گروه قیدی و وصفی‌ای که از وابسته ساز و اسم ساخته میشوند مشترک است گروههایی از قبیل بخانه، بی تو، با او، چون پلنگ، چند کوه (۱) (در قدیم) (یعنی به اندازه کوه).

۳- از گروه وابسته ساز و اسم مانند: «در حال رشد» ، «در دست اقدام» . اینها با گروههایی که بهمین ترتیب بوجود می‌آیند هم ساختمان هستند، گروههایی مانند در باره او و به وسیله من.

۱- چند با کسره آخر در قدیم بمعنی «به اندازه» بوده است در این صورت از وابسته سازهاست.

۴- از صفات یا قیدهای معطوف به هم مانند چنین و چنان، سپید و سیاه، تمام و کمال شرقاً و غرباً، اینها با گروههایی که بهمین ترتیب بوجود می آیند همساختمانند.

۵- از صفت یا قید و وابسته های آن مانند: از خودراضی، قابل احترام، غیر قابل تحمل، (۱) غیر ممکن، ضد ملی، فاقد صلاحیت، پس از این، گذشته از این. این قسم ترکیبات را میتوان به اقسام دیگری تقسیم کرد. ساختمان گروههایی مانند مست از غرور، خواهان تو، دلخواه من و غیره نیز مثل ساختمان ترکیبات یاد شده است.

ج- وابسته سازهای مرکب با قالبهای مشترک - وابسته

سازها (حروف اضافه) از طبقات بسته دستوری است یعنی تعداد آن محدود است از این رو کلمات مرکب آن نیز محدود به سه یا چهار کلمه است مانند همچون، بجز، برای، (بر) دو کلمه اخیر با کسره آخر است. بنابراین تشخیص قالب ترکیبی برای آن خواه قالب ویژه باشد و خواه قالب مشترک دشوار است تنها برای دو کلمه «برای» و «بر» میتوان قالب ترکیبی مشترک فرض کرد و ساختمان آنها را با گروههای کوتاهی از قبیل وسیله، بهر سوی (به جای «به وسیله»، از بهر و به سوی) یکسان شمرد.

۵ - پیوندهای مرکب با قالبهای مشترک - اینگونه پیوندها نیز به دلیلی که برای وابسته سازها گفتیم اندک است و آنها منحصرند به «بلکه» و «زیرا که»، که با گروههایی مانند اگر که، هر چند که و هر قدر که مشترکند.

پیوندها و وابسته سازهای مرکب بر اثر اندکی شماره آنها و ناتوانی ساختمانشان در واژه سازی در حکم کلمات مرکب سماعیند.

۱- غیر در فارسی با آن که کلمه مستقلی است در ترکیباتی مانند غیر ممکن، غیر مقدور و غیر انسانی کار پیشوند را میکند.